

## واردات آب

مهندس علیرضا دائمی نیز اخیراً در گفت‌وگو با خبرگزاری دانا از بررسی سیاست واردات آب خبر داده و لازم‌ه پراختن به بحث واردات آب را انجام مطالعات دقیق بر پایه سه مولفه دانسته و گفته بود: «مولفه اول بحث‌های دیپلماسی آب است، مادامی که ما نتوانیم با کشورهای همسایه در قالب پروتکل‌ها یا موافقتنامه‌های بلندمدت که ارزش سرمایه گذاری دارد، به توافق برسیم، این بحث قابلیت اجرایی شدن ندارد.

دائمی افزود: «باید دید که این موضوع می‌تواند منجر به همکاری چندجانبه بین ما و کشورهای همسایه شود یا خیر؟ آیا این پروتکل‌های رسمی، حقایق‌های جمهوری اسلامی ایران را به هم نخواهد زد؟ و آیا برای دیگر کشورها حق و حقوق جدیدی ایجاد نخواهد کرد؟ بحث دیپلماسی آب باید حتماً مطالعه شود و هوشمندانه به این مساله توجه شود که این موضوع منجر به منازعات اجتماعی بین کشورهای همسایه نباشد. به طور مثال وقتی بحث انتقال آب از تاجیکستان مطرح می‌شود که یک کشور با منابع آبی فراوان است، باید به این مساله توجه شود که این کشور دارای کشورهای همسایه پایین دستی از جمله کشورهای ترکمنستان و قرقیزستان است که از این آب استفاده می‌کنند. طبیعتاً ما باید به دیپلماسی کشورهای حوزه قفقاز توجه کنیم در غیر این صورت ممکن است به منازعات منجر شود».

معاون برنامه‌ریزی و امور اقتصادی وزیر نیرو، خاطر نشان کرد: «مولفه دوم مباحث مربوط به اجرای فنی کار است. در هر صورت انتقال آب حتی در مسافت‌های کوتاه در داخل کشور هم منجر به یک سری منازعات و پیچیدگی فنی می‌شود. نمونه‌اش را در طرح‌های انتقال داخل می‌بینید. حال اگر این آب بخواهد از مسافت‌های چندصد کیلومتری منتقل شود که بخش‌هایی از آن در حوزه حفاظت جمهوری اسلامی ایران نخواهد بود، پیچیدگی‌های بیشتری دارد. حفاری تونل‌ها، اجرای طرح‌های بزرگ خط انتقال لوله، ایستگاه‌های پمپاژ، برق‌رسانی، نگهداری و بهره‌برداری از تاسیسات و... همگی نکاتی است که باید مورد توجه قرار بگیرد».

این مقام مسوول در وزارت نیرو، مولفه سوم در بحث مطالعات مربوط به واردات آب را، اقتصاد آب عنوان کرد و افزود: «مادامی که در کشور ما آبی که در بخش کشاورزی استفاده می‌شود، تقریباً رایگان باشد و ۹۳ درصد آب‌های تجدیدشونده پهنه داخلی سرزمین به این امور اختصاص یابد که با بهره‌وری بسیار کم همراه است، انتقال آب از مناطق دور دست باید با توجه بیشتری صورت بگیرد. آنچه که مسلم است این که فعلاً در پهنه سرزمینی مان از منابع آب با بهره‌وری لازم استفاده نمی‌کنیم. لازم‌ه هر انتقال آب چه در بین حوضه‌های مختلف چه بین کشورهای مختلف این است که از آن منبع در ابتدا به شکل درست استفاده کنیم و به بهره‌وری لازم برسیم».

هرچند به گفته این مسئول طرح واردات آب در حد مطالعات است و در صورت عملی شدن تنها برای شرب و صنعت توجیه دارد اما خدا رحمت کند شیخ بهایی را که در سال ۹۲۳ قمری طومار معروف خود را در خصوص مدیریت و تقسیم آب زاینده‌رود نوشت و این مدیریت آن قدر قوی بود که تا همین چند سال پیش اجرایی بود. خدا بیامرز چیزی هم از دیپلماسی آب نمی‌دانست، این قدر هم امکانات و بودجه و تجهیزات نداشت. صندلی و میز خاصی هم نداشت، ولی طوماری نوشت که بعید است دیپلمات‌های ما بتوانند شبیه آن را برای شرایط کنونی بنویسند.

شد که سبب شد این توافقنامه به نمونه‌ای مناسب در این باره تبدیل گردید در حالی که قبل از آن در سال ۱۹۹۷ مناقشه قرقیزستان و ازبکستان افزایش یافت به طوری که ازبکستان مجبور شد در کنار منابع ذخیره آب خود در امتداد مرز قرقیزستان، تاسیسات نظامی ایجاد کند. این عمل باعث افزایش نگرانی و خشم عمومی در قرقیزستان شد.

حکومت قرقیزستان ماده قانونی تصویب کرد که طبق آن آب به عنوان یک کالای تجاری معرفی شده بر دو حق خود برای استفاده از آن به عنوان یک کالای سودآور را به رسمیت شناخت. قزاق‌ها تهدید کردند که اگر ازبکستان از پرداخت پول آبی که مصرف می‌کند، خود داری کند، آن را به چپن خواهند فروخت.

در فوریه ۱۹۹۸ یعنی اندکی قبل از این که مذاکرات آغاز شود ازبکستان تولیدات گاز خود به دو کشور پرآب قرقیزستان و تاجیکستان را قطع کرد. حکومت قرقیزستان این عمل را قویاً محکوم کرد و در مقابل ازبک‌ها نیز لحن خشن قرقیزها را به تندی پاسخ گفتند. این موضوع نشان می‌دهد که حکومت ازبکستان جدای از مساله آب در پی آن بوده است با استفاده از اهرم گاز مناقشات مرزی خود با همسایگانش این بار در مقابل قرقیزستان اعلام کرد که چون قسمت زیادی از زمین‌های پنبه‌اش در حال تخریب است، به آب بیشتری نیاز دارد و به این ترتیب از اسلحه آب علیه ازبکستان استفاده کرد. قرقیزستان و تاجیکستان همچنین به طور مشترک اعلام کردند که در صدد افزایش تولیدات برق آبی خود هستند تا از این طریق نیاز خود به واردات گاز از ازبکستان را کاهش دهند. مجموع این تنش‌ها کشورهای منطقه را به سمت آغاز مذاکرات در ۱۷ مارس ۱۹۹۸ سوق داد.

به طور خلاصه باید توجه داشت، کشورهای منطقه تنها هنگامی حاضر به توافق هستند که بتوانند از مزایای آن بهره‌مند شوند. کشورهای پایین دست از مزیت زیربناهای مطلوب و تولید انرژی به عنوان اهرم فشار استفاده کرده‌اند و در مقابل کشورهای پایین دست نیز از آب به عنوان یک ابزار سیاسی و ایجاد توازن ژئوپلیتیک در منطقه بهره‌برده‌اند که در نتیجه آن منافع هر دو طرف همپوشانی پیدا کرده است. با وجود این باید توجه داشت توافقنامه‌ای که کشورهای منطقه امضا کرده بودند، با ورود به تاجیکستان متزلزل شد، تاجیکستان پیش از آن که برای پیوستن به توافقنامه دعوت شود، جریان آب به ازبکستان را محدود کرد و این موضوع بیش از ۱۰۰ هزار هکتار زمین‌های پنبه این کشور را از بین برد. در چنین شرایطی کشورهای پایین دست به جای تهدید و لحن تند، از دیپلماسی سطح بالای آب استفاده کردند و همین موضوع اهرم تاجیکستان را تغییر داد.

